

Feasibility Assessment of Criminal Liability in Artificial Intelligence based on its Philosophical Foundations

Mahdi Zandi¹, Seyyed Ehsan Rafiei Alavi²

¹ Bachelor, Department of Law, Imam Khomeini Educational and Research Institute; Level 3 student, Qom Seminary, Qom, Iran (**Corresponding author**). mazandi@gmail.com

² Associate Professor, Department of Philosophy of Law, Baqir al -Ulum University, Qom, Iran. rafiealavy272@gmail.com

Abstract

When an intelligent machine or an autonomous robot, as the ample examples of artificial intelligence, commits a crime, what first comes to mind is its criminal liability. Human criminal liability is based on the will and criminal intent and other conditions mentioned in the law, but the will and intent of artificial intelligence in committing a crime is not like the will and intent of humans. This research here, examines the concepts of criminal liability of artificial intelligence, and the existing approaches to artificial intelligence; it evaluates and criticizes two opposing philosophical approaches towards artificial phenomena, namely humanness and instrumentality, and various assumptions, and states the existing legal provisions of criminal liability intended for criminal humans. By analyzing the legal provisions that have been enacted for humans with self-will, it has reached the following approach as below, considering the new nature of artificial phenomena, the current laws are not responsible for criminal confrontation with artificial intelligence; Because regarding the ambiguity of existing laws toward concepts such as non-spiritual will, accepting the interpretation of these laws by an official authority, although it will remove the ambiguity, will cause the judicial system to be dumbfounded regarding criminal discussions in this area and will not solve the problem.

Keywords: Artificial structures, will, criminal liability, artificial intelligence, crime.

Cite this article: Zandi, M. & Rafiei Alavi, S.E. (2024). Feasibility Assessment of Criminal Liability in Artificial Intelligence based on its Philosophical Foundations. *Philosophy of Law*, 3(1), p. 87-106.
<https://doi.org/10.22081/phlq.2025.70963.1090>

Received: 2023-10-09 ; **Revised:** 2023-11-12 ; **Accepted:** 2023-12-07 ; **Published online:** 2024-04-03

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Baqir al-Olum University



امکان سنجی مسئولیت کیفری در هوش مصنوعی بر پایه مبانی فلسفی آن

مهدی زندی^۱، سید احسان رفیعی علوی^۲ 

^۱ کارشناسی، گروه حقوق، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ طلبه سطح ۳، حوزه علمیه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

mazandi@gmail.com

^۲ دانشیار، گروه فلسفه حقوق، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. rafiealavy272@gmail.com

چکیده

هنگامی که یک ماشین هوشمند یا یک ربات که از مصادیق هوش مصنوعی می‌باشند، مرتکب جرمی شوند، اولین چیزی که به ذهن خطور می‌کند، این است که مسئولیت کیفری آن چگونه است. مسئولیت کیفری انسان بر پایه اراده و قصد مجرمانه و شروط یگری است که در قانون ذکر شده است، اما اراده و قصد هوش مصنوعی در ارتکاب جرم مثل اراده و قصد انسان نیست. این پژوهش به بررسی مفاهیم مسئولیت کیفری هوش مصنوعی، و رویکردهای موجود نسبت به هوش مصنوعی می‌پردازد؛ سپس دو رویکرد فلسفی متضاد نسبت به پدیده‌های مصنوعی را که عبارت از انسانی بودن و ابزاری بودن، و فرض‌های مختلف را ارزیابی و نقد کرده و مواد قانونی مسئولیت کیفری موجود را که برای انسان مجرم در نظر گرفته شده را بیان کرده و با تحلیل ماده‌های قانونی که برای انسان دارای اراده مبتنی بر نفس وضع شده، به این رهیافت رسیده است که با توجه به ماهیت جدید پدیده‌های مصنوعی قوانین فعلی، پاسخگو برای مواجهه کیفری با هوش مصنوعی نیستند؛ چرا که بعد از ابهام قوانین موجود نسبت به مفاهیمی مثل اراده غیرمبتنی بر روح، پذیرش تفسیر کردن این قوانین توسط مرجع رسمی، اگرچه باعث رفع ابهام می‌شود، اما سبب گنگی دستگاه قضایی نسبت به بحث کیفری در این حوزه خواهد شد و مسئله را حل نخواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: سازه‌های مصنوعی، اراده، مسئولیت کیفری، هوش مصنوعی، جرم.

استناد به این مقاله: زندی، مهدی؛ رفیعی علوی، سید احسان (۱۴۰۳). امکان سنجی مسئولیت کیفری در هوش مصنوعی بر پایه مبانی فلسفی آن. فلسفه

حقوق، (۱)۳، ص ۸۷-۱۰۶. <https://doi.org/10.22081/phlq.2025.70963.1090>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۸/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۶؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵

ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع)

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



<https://phlq.bou.ac.ir/>

۱. مقدمه

در ژاپن حادثه‌ای رخ داد که در آن، یک ربات صنعتی موجب مرگ یک کارگر شد. این حادثه زمانی اتفاق افتاد که یک مرد ۴۹ ساله به نام کاتسو کوبا^۱ که در بخش تولید، مشغول به کار بود، در نزدیکی ربات صنعتی قرار گرفت. ربات که برای جابه‌جایی قطعات سنگین و انجام کارهای خطرناک، طراحی شده بود، به کارگر به شدت آسیب رساند. این برخورد، منجر به مرگ فوری کارگر شد (سیسیلیانو^۲ و همکاران، ۲۰۱۶، ص ۵۸-۶۰). چیزی که باعث می‌شود موضوع مسئولیت کیفری هوش مصنوعی پیچیده شود، این است که، جرم صورت گرفته نه توسط انسان اتفاق افتاده و نه توسط ابزاری ساده؛ بلکه به واسطه اراده‌ای مستقل است که مفاهیم مسئولیت کیفری را به چالش می‌کشد. اما آنچه باید بدان توجه کرد، نبود تاریخچه و سابقه برخورد با این پدیده‌ها در ایران است. همچنین پیشرفت‌های سریعی که در این حوزه رخ می‌دهد و در برخی موارد، سبب تغییر ماهیت این پدیده‌ها شده است، اهمیت پرداختن به این مسئله را دوچندان می‌کند. مقننی می‌تواند قانونی جامع وضع کند، که به ابعاد دقیق موضوع آگاه باشد. در این راستا، پژوهش حاضر در مقام تعیین مسئولیت کیفری برای هوش مصنوعی نبوده؛ بلکه برای تصویرسازی درست و بررسی قوانین مسئولیت کیفری موجود، و همچنین ترسیم هوش مصنوعی و ارتباط آن با آینده حقوقی کشور، مفاهیم این حوزه را تحلیل می‌کند. فوریت پرداختن به مسئله، از آنجا ناشی می‌شود که یکی از چالش‌های عمده در این زمینه، مشکلات قانونی ناشی از ویژگی‌های خودمختار بودن سیستم‌ها است. به دلیل اینکه، این سیستم‌ها می‌توانند تصمیمات مستقل بگیرند و گاهی اوقات ممکن است تصمیمات آنها منجر به خسارات و آسیب‌هایی شود؛ بدون اینکه بتوان به راحتی مسئولیت آنها را به فرد یا نهاد خاصی نسبت داد (لین^۳ و همکاران، ۲۰۲۰، فصل ۴).

هوش مصنوعی، به مجموعه‌ای از سیستم‌ها و الگوریتم‌ها اطلاق می‌شود که هدف آنها، شبیه‌سازی فرآیندهای ذهنی انسانی مانند یادگیری، استدلال و تصمیم‌گیری است. این فناوری، قادر است با استفاده از داده‌ها و تجربه‌های گذشته، الگوهایی را شناسایی کرده و به صورت خودکار به حل مسائل بپردازد. به عبارت دیگر، هوش مصنوعی در پی ایجاد ماشین‌هایی است که بتوانند به طور مستقل تفکر کنند و عملکردهایی مشابه به انسان‌ها داشته باشند و امروزه در حوزه‌های مختلفی مانند پزشکی، حمل و نقل و تجارت کاربرد دارد (راسل^۴ و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۸۵). هوش مصنوعی، به طراحی سیستم‌های هوشمند گفته می‌شود که توانایی یادگیری، استدلال، و حل مسائل را دارند. این سیستم‌ها می‌توانند از تجربه‌های قبلی استفاده کنند و تصمیمات خود را براساس داده‌ها و الگوریتم‌های پردازش شده اتخاذ

1. Katsuo Kubo

2. Siciliano

3. Lin

4. Russell

نمایند (هانگی^۱، ۲۰۰۶، ص ۱۵). هوش مصنوعی، در ابتدا از ماشین‌های محض، شروع به کار کرد. سپس با پیشرفت و نوآوری‌ها، این ماشین‌های محض به ربات‌های هوشمند تبدیل شدند؛ به شکلی که بعضی از آنها مستقل کار می‌کنند. بنابراین، می‌توان فرق بین آنها را اینطور بیان کرد:

(۱) تعامل با محیط: ربات‌ها به دلیل وجود سخت‌افزار فیزیکی، می‌توانند با محیط واقعی تعامل داشته باشند؛ درحالی که ماشین‌های محض هوش مصنوعی، معمولاً به‌طور نرم‌افزاری و بدون تعامل فیزیکی با محیط عمل می‌کنند.

(۲) پردازش داده‌ها: ماشین‌های محض هوش مصنوعی، عمدتاً برای پردازش داده‌ها و حل مسائل از طریق الگوریتم‌های محاسباتی طراحی شده‌اند؛ درحالی که ربات‌ها علاوه‌بر این توانایی‌ها، باید از حسگرها برای درک و واکنش به محیط فیزیکی استفاده کنند.

(۳) توانایی‌های فیزیکی: ربات‌ها از اجزای سخت‌افزاری مانند حسگرها و موتورهای حرکتی برای انجام کارهای فیزیکی استفاده می‌کنند؛ درحالی که ماشین‌های محض هوش مصنوعی، تنها در فضای دیجیتال و بدون اجزای فیزیکی عمل می‌نمایند (راسل و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۳۳-۳۵).

اساساً، مسئله از جایی شروع می‌شود که این ابزارها و به عبارت دقیق‌تر، عامل‌های هوشمند، باعث شوند جرمی صورت بگیرد یا خسارتی به افراد جامعه وارد شود. اینجاست که واکنش مقام قضایی و دولت و افراد را در پی دارد؛ به این شکل که تعیین مسئولیت کیفری، چطور خواهد بود؟ مفاهیمی مثل اراده و قصد، که شرط در تعیین مسئولیت کیفری هستند، شامل هوش مصنوعی می‌شود؛ اما میزان آن نیاز به بررسی دارد. یکی از معروف‌ترین این حوادث، در سال ۲۰۱۶ در ایالت فلوریدا رخ داد، زمانی که راننده‌ای که از سیستم Autopilot تسلا استفاده می‌کرد، نتوانست از برخورد با یک تریلر بزرگ جلوگیری کند و جان خود را از دست داد. در این حادثه، سیستم خودران، نتوانست تریلر را به‌درستی شناسایی کند و راننده نیز نتوانست به‌موقع، کنترل خودرو را در دست بگیرد (NHTSA, 2016). یا در سال ۲۰۱۵، یک ربات صنعتی که در خط تولید خودروهای فولکس‌واگن مشغول به کار بود، به دلیل نقص در برنامه‌ریزی یا نقص سنسورهای خود، به‌طور اشتباهی به یک کارگر ۲۲ ساله نزدیک شده و به او آسیب رساند. ربات به‌طور غیرقابل پیش‌بینی در محیطی که انسان‌ها نیز در آن حضور داشتند، حرکت کرده و به کارگر ضربه زد. این حادثه، منجر به مرگ کارگر شد (سیسیلین و همکاران، ۲۰۱۶، ص ۲۵-۳۰). پیشرفت‌های روزافزون در زمینه‌های مختلف سیستم‌های هوش مصنوعی، که قادر به تصمیم‌گیری مستقل هستند، این پرسش را به چالش‌های حقوقی و اخلاقی جدیدی منجر می‌کند. سؤال این است که: آیا باید بر سیستم‌های هوش مصنوعی که ممکن است خطا کنند یا به انسان‌ها آسیب برسانند، مسئولیت کیفری انسان‌ها را تطبیق داد؟ در نهایت، این تحقیق درصدد پاسخ قطعی به این سؤال نیست، بلکه در مقام

تصویرسازی از این پدیده‌ها با بررسی مسئولیت کیفری آنها بر پایه قوانین کیفری فعلی و ارائه راه‌حل برای مواجهه با عامل‌های هوشمند می‌باشد.

بحث‌های اولیه در مورد مسئولیت هوش مصنوعی، به دهه ۱۹۵۰ بازمی‌گردد. در این زمان، مباحث ابتدایی پیرامون ربات‌ها و هوش مصنوعی، به‌طور عمده در حوزه فلسفه و فلسفه اخلاق مطرح شد؛ اما بحث مسئولیت کیفری به‌طور خاص در این دوره مطرح نبوده است. آلن تورینگ (۱۹۵۰) در مقاله معروف خود با عنوان «ماشین‌های محاسباتی و هوش»، به این پرسش پرداخته که: آیا ماشین‌ها می‌توانند مانند انسان‌ها فکر کنند یا خیر؟ این سؤال پایه‌ای از مباحث فلسفی و حقوقی در مورد هوش مصنوعی بود؛ اما همچنان به‌طور مستقیم به مسئولیت کیفری اشاره نمی‌کرد. در دهه ۱۹۹۰، با پیشرفت فناوری هوش مصنوعی و توسعه اولین ربات‌های خودران و سیستم‌های هوشمند تجاری، اولین چالش‌های حقوقی مربوط به مسئولیت‌های این سیستم‌ها در برخی از مقالات علمی مطرح شده است.

در واقع، می‌توان پیشینه بررسی مسئولیت کیفری هوش مصنوعی و چالش‌های آن را از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ مشاهده کرد. مثلاً پژوهشی با عنوان «مسئولیت کیفری تسلیحات خودمختار»، به بررسی مسئولیت کیفری ربات‌های نظامی خودمختار پرداخته است (هالوی، ۲۰۱۶، ص ۴۵-۵۸). همچنین به چالش‌های حقوقی در مورد مسئولیت این نوع ربات‌ها اشاره کرده و رویکردهای ابزاری، مستقل، و پیامدهای طبیعی را بیان داشته است؛ اما تمرکز آن بر تسلیحات نظامی است. درحالی که پژوهش حاضر، سیستم‌های هوش مصنوعی را با توجه به قوانین ایران بررسی کرده است. همچنین پژوهشی با عنوان «اخلاق ماشین و خودروهای خودران» (گودال، ۲۰۱۴، ص ۹۳-۱۰۲)، به بررسی مسائل اخلاقی و مسئولیتی در ربات‌ها و خودروهای خودران پرداخته است. تأکید این تحقیق بر طراحی این خودروها براساس اصول اخلاقی است، تا سبب خسارت جانی نشود. همچنین به فرض مسئولیت این خودروها که تولیدکننده، کاربر، یا خود سیستم باشد، اشاره شده و راه‌حل مسئولیت این سیستم‌ها را تعیین قوانین جدید براساس اصول اخلاقی دانسته است. پژوهشی با عنوان «چرا اخلاق برای خودروهای خودران مهم است» (لین، ۲۰۱۶، ص ۶۹-۸۵)، نیز به بررسی اهمیت مسائل اخلاقی خودروهای هوشمند پرداخته است. مسائلی از این دست که، زمانی که خودروهای خودران در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که باید تصمیمات اخلاقی حیاتی بگیرند، مثلاً انتخاب میان نجات سرنشین یا عابر پیاده، در شرایط بحرانی باید کدام‌یک را انتخاب کنند. تمرکز این پژوهش بر چالش‌های اخلاقی خودروهای خودران است و قوانین سنتی مسئولیت کیفری موجود را، پاسخگوی این چالش‌های قانونی نمی‌داند. بنابراین، با توجه به نوظهور بودن این موضوع، پژوهش حاضر درصدد است با روشی بین‌رشته‌ای، براساس تحلیل مفهومی بر پایه مفاهیم حقوقی و قوانین ایران، این موضوع را بررسی کرده و می‌توان گفت ویژگی این پژوهش، استفاده از داده‌های بین‌رشته‌ای است که آن را از پژوهش‌های دیگر در این حوزه، متمایز می‌کند. چرا که هوش مصنوعی،

طبق ماهیت آن یک پدیده بین‌رشته‌ای بوده که ابتدا باید مفاهیم آن، از دیدگاه‌های مختلف بررسی شود. تقسیم‌بندی که برای هوش مصنوعی به عنوان: عامل، محدود، متوسط، و ایده‌آل شده است، تأثیری در رسیدن به پاسخ و بررسی مسئولیت کیفری هوش مصنوعی ندارد؛ زیرا هوش مصنوعی با هر دیدگاهی و طبق هر تحلیلی، یک واقعیت است که موضوعی برای مسئولیت کیفری قرار می‌گیرد. در این راستا، با توجه به تطبیق مفاهیم هوش مصنوعی با مفاهیم قانون کیفری ایران و بررسی‌هایی که در حوزه مسئولیت مدنی ناشی از این پدیده‌ها (حکمت‌نیا، محمودی و واثقی، ۱۳۹۸، ص ۱) صورت گرفته، پژوهش حاضر درصدد بررسی مسئولیت کیفری هوش مصنوعی و نقد رویکردهای موجود، طبق قوانین ایران است.

۲. نسبیّت و رابطهٔ مسئولیت کیفری با هوش مصنوعی

برای بررسی نسبیّت و ارتباط مسئولیت کیفری، دو دیدگاه در نیازسنجی برای پرداختن به ماهیت فلسفی هوش مصنوعی بیان شده است. به عبارتی، برخی قائل هستند که برای بررسی مسئولیت کیفری باید ماهیت فلسفی هوش مصنوعی بررسی شود؛ اما در مقابل، دیدگاه دیگری معتقد است مبانی و ماهیت فلسفی هوش مصنوعی هرچه باشد، تأثیری در مباحث مسئولیت کیفری آن ندارد. بنابراین، اجمالاً دلایل این دو دیدگاه، بیان می‌شود.

۲-۱. هوش مصنوعی به عنوان یک «سوژه-اُبژه»

دیدگاه نخست، به هوش مصنوعی به عنوان صرفاً ابزاری (اُبژه) معتقد است، که توسط انسان‌ها طراحی و کنترل می‌شود. بنابراین، نیازی به بررسی فلسفی ماهیت آن وجود ندارد. دلایل و استدلال‌های این دیدگاه، اینچنین بیان شده است: الف) هوش مصنوعی فاقد ارادهٔ مستقل است. سیستم‌های هوش مصنوعی نمی‌توانند بدون دستور یا برنامه‌ریزی انسانی عمل کنند و بنابراین، فاقد اراده، تیت، و آگاهی مستقل هستند. ب) عملکرد آنها براساس برنامه‌ریزی است. تمام تصمیمات هوش مصنوعی، نتیجهٔ الگوریتم‌های از پیش تعریف شده است و نمی‌توان آن را به عنوان موجودی دارای شخصیت مستقل (سوژه) در نظر گرفت. ج) فایده‌گرایی حقوقی، بررسی فلسفی ماهیت هوش مصنوعی، ممکن است بر پیچیدگی‌های غیرضروری به مسائل حقوقی-کیفری بیافزاید و بهتر است صرفاً بر کارکرد عملی و نقش ابزاری آن تمرکز شود (گونکل، ۲۰۱۸، ص ۲۸).

۲-۲. نیازمندی به تحلیل فلسفی برای بررسی حقوقی هوش مصنوعی

این دیدگاه، بر دو اصل کلیدی استوار است. برای تعیین اینکه آیا هوش مصنوعی می‌تواند مسئولیت کیفری داشته باشد، ابتدا باید ماهیت آن روشن شود. سؤالاتی مانند «آیا هوش مصنوعی یک ابزار است یا یک عامل مستقل؟» و «آیا هوش مصنوعی می‌تواند اراده یا تیت داشته باشد؟» نیازمند تحلیل فلسفی هستند. این دیدگاه، می‌گوید، باید مشخص شود که آیا هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان یک سوژه (فاعل

مستقل)، در نظر گرفته شود یا خیر. دلایل و استدلال‌های این دیدگاه به این شرح است:

الف) هوش مصنوعی به‌عنوان یک عامل نیمه‌مستقل: پیشرفت فناوری نشان داده که برخی سیستم‌های هوش مصنوعی، مانند خودروهای خودران یا ربات‌های نظامی، می‌توانند تصمیماتی مستقل از انسان بگیرند. این استقلال نسبی، آن‌ها را از ابزارهای صرف (ابژه)، متمایز می‌کند.

ب) نیاز به تعریف مفاهیم اراده و آگاهی: در مواردی که هوش مصنوعی می‌تواند تصمیماتی مستقل بگیرد، باید مفاهیمی مانند اراده مصنوعی یا اخلاق مصنوعی بررسی شود. ج) پیچیدگی‌های اخلاقی و حقوقی: در صورتی که هوش مصنوعی باعث وقوع جرم یا خسارت شود، بدون تحلیل فلسفی ماهیت آن، نمی‌توان به‌طور دقیق مشخص کرد که مسئولیت به عهده کیست (گونکل، ۲۰۱۸، ص ۹۸). این دیدگاه، معتقد است که تحلیل حقوقی بدون درک فلسفی از نیت‌مندی^۱ هوش مصنوعی، ناقص خواهد بود. اگر هوش مصنوعی دارای اراده و نیت نباشد، نمی‌توان آن را مانند انسان‌ها مسئول دانست. سرل استدلال می‌کند که بدون خودآگاهی و نیت، هوش مصنوعی تنها قواعد را اجرا می‌کند و مسئولیت نمی‌تواند به آن نسبت داده شود (سرل^۲، ۱۹۸۰، ص ۴۲۰-۴۲۱). این دیدگاه بر این باور است که برای بررسی مسئولیت هوش مصنوعی، باید مشخص شود که آیا این سیستم‌ها ابزارهایی منفعل هستند یا عامل‌هایی مستقل. بنابر این نظریه، اگر هوش مصنوعی تنها یک ابزار باشد، مسئولیت برعهده کاربران یا طراحان آن است؛ اما اگر به‌عنوان یک عامل مستقل عمل کند، ممکن است بتوان آن را دارای حقوق و مسئولیت‌های خاص خود دانست (گونکل، ۲۰۱۸، ص ۱۲-۱۵). یکی از اصلی‌ترین دلایل این دیدگاه آن است که مسئولیت‌گیری، نیازمند درک و نیت و اراده^۳ است. هوش مصنوعی، برخلاف انسان‌ها، فاقد خودآگاهی و نیت است. با این حال، برای تعیین اینکه آیا می‌توان آن را مسئول دانست، باید به دو سؤال کلیدی پاسخ داد: ۱- آیا تصمیمات هوش مصنوعی ناشی از استقلال و اراده آزاد است؟ ۲- آیا هوش مصنوعی می‌تواند مسئول نتایج تصمیمات خود باشد؟ تمایز ابزار و عامل، یکی دیگر از عوامل این دیدگاه است؛ که برای تعیین مسئولیت حقوقی، باید مشخص شود که آیا هوش مصنوعی، یک ابزار منفعل است یا یک عامل مستقل. اگر هوش مصنوعی به‌عنوان یک ابزار در نظر گرفته شود، مسئولیت به سازنده یا کاربر آن بازمی‌گردد. اما اگر به‌عنوان یک عامل مستقل در نظر گرفته شود، نیازمند قوانین حقوقی و اخلاقی جدید خواهد بود. گونکل استدلال می‌کند که حقوق و مسئولیت برای ربات‌ها، نیازمند تحلیل فلسفی ماهیت آنها است. بدون درک فلسفی، نمی‌توان مشخص کرد ربات‌ها، حقوق و مسئولیت داشته باشند (گونکل، ۲۰۱۸، ص ۱۲-۱۵). در ادامه، به نظریات مختلف درباره مسئولیت‌گیری هوش مصنوعی اشاره می‌شود.

1. Intentionality

2. Searle

3. Will

۳. نظریه‌های موجود دربارهٔ مسئولیت کیفری هوش مصنوعی

الف. نظریه ابزار: این نظریه معتقد است که، هوش مصنوعی صرفاً ابزاری است که توسط انسان‌ها استفاده می‌شود. بنابراین، مسئولیت برعهدهٔ طراحان، برنامه‌نویسان، یا کاربران آن است. برای مثال، اگر یک خودروی خودران تصادف کند، سازنده یا مالک آن مسئول است.

ب. نظریه عامل مستقل: این نظریه معتقد است که، سیستم‌های پیشرفتهٔ هوش مصنوعی می‌توانند به‌عنوان عامل‌های مستقل در نظر گرفته شوند. هوش مصنوعی ممکن است تصمیماتی بگیرد که مستقیماً تحت کنترل انسان‌ها نیست. بنابراین، این نظریه پیشنهاد می‌کند که هوش مصنوعی می‌تواند نوعی شخصیت حقوقی داشته باشد.

ج. نظریه ترکیبی: این نظریه، پیشنهاد می‌کند که مسئولیت کیفری می‌تواند میان انسان‌ها (مانند طراحان یا کاربران) و هوش مصنوعی تقسیم شود. برای مثال، اگر یک سیستم هوش مصنوعی به دلیل نقص طراحی، مرتکب جرم شود، مسئولیت ممکن است میان هوش مصنوعی و طراح آن تقسیم شود (هالوی، ۲۰۱۶، ص ۲۱-۳۲).

هوش مصنوعی با هدف شبیه‌سازی هوش انسان، پا به عرصه نهاد. اعمال و فیزیک بدن انسان، از هوش یا به تعبیر دقیق‌تر از ذهن او سرچشمه می‌گیرد. چهار تعریفی که برای هوش مصنوعی بیان شده عبارتند از است: ۱- سامانه‌هایی که شبیه انسان می‌اندیشند. ۲- سامانه‌هایی که عقلایی می‌اندیشند. ۳- سامانه‌هایی که شبیه انسان عمل می‌کنند. ۴- سامانه‌هایی که عقلایی رفتار می‌کنند (محمدعلی خلیج، ۱۳۹۳، ص ۲). از وجوه تمایز انسان و غیرش، تفکر او است. همچنان که این تفکر سبب کرامت انسان شده است (اسراء، ۲)؛ جدای از اینکه اعمال او می‌تواند به صورت آگاهانه یا نیمه‌آگاهانه باشد؛ اما نکتهٔ مهم این است که همهٔ فلاسفه، مبدأ اصلی برای کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین عمل یک فرد را ذهن او می‌دانند و برای حالات ذهنی انسان، خصوصیات از جمله احساسات (مثل درد کشیدن، شناخت، باور داشتن)، عاطفه (مثل ترس)، ادراک (مثل دیدن)، شبه‌ادراک (مثل خواب، تصور، تخیل) و حالات ناظر به عمل (مثل خواستن و قصد کردن) را ذکر کرده‌اند (خوشنویس، ۱۳۹۴، ص ۱۵۳). زمانی که الفاظ یا داده‌های مشابهی به یک انسان و یک کامپیوتر داده شود؛ برداشت کامپیوتر، متفاوت از برداشت یک انسان از همان الفاظ یا داده‌ها است؛ زیرا کامپیوتر توان درک ندارد و فقط به دستکاری نمادها متکی است. از همین جا، دو مکتب مهم فلسفی شکل گرفت. افرادی مثل ارسطو قائل بودند که ماهیت اصلی انسان، تفکر او است و استدلال انسان را بر طبق منطق و ریاضی، نمادگذاری کرد؛ هرچند که بر نظر او، اشکالاتی وارد شد (راسل، استوارت جاناتان؛ نوریگ، ۱۳۹۶، ص ۹). مکتب دیگر عامل خردمند را چیزی می‌داند که در مدت طولانی مداومت داشته و قابلیت برآورده کردن اهداف دیگر را داشته باشد؛ یعنی طوری عمل کند که بهترین نتیجه را ارائه دهد (راسل، استوارت جاناتان؛ نوریگ، ۱۳۹۶، ص ۱۰).

عقلانیت، مهم‌ترین استدلال انسانی بودن هوش مصنوعی است و بعضی از فلاسفه از جمله ارسطو معتقد است که عقلانیت، دو نوع است. هنگامی که کسی را عاقل یا خردمند توصیف می‌کنیم، نیازی نیست که حتماً آن را دارای قدرت استدلال خوبی بدانیم، به این شکل که بتواند استدلال‌های استقرایی و قیاسی فراوانی انجام دهد (لو، ۱۳۸۰، ص ۲۳۷). مثلاً انسان سالم، در حد اعلی به این شکل استدلال می‌کند که همه فیلسوفان پرگو هستند؛ همه پرگویان ابله هستند؛ پس، همه فیلسوفان ابله هستند. بنابراین، طبق این نظر یک آدم دیوانه هم می‌تواند استدلال کند؛ اما نه در حد اعلی، اما او مقدمات عجیب و غریب را هم صادق می‌داند. باید گفت، عاقل و خردمند از نظر ما کسی است که طبق محیط اجتماعی و فیزیکی خود، در شرایط متناسب، بتواند بهترین استدلال را مطابق با اهدافش اجرا کند.

مفهوم دیگری که در انسان وجود دارد، آگاهی است. گاهی انسان به چیزی آگاهی دارد، به این معنا که می‌داند فلان شیء در خارج، چه رنگی است و گاهی به دانستن خود نیز آگاهی دارد. آگاهی، شرط مؤثر در حوزه‌های مختلف است. در حقوق کیفری، یکی از علل مجازات کردن، بازدارندگی از جرم‌های بعدی است. پس کسی مجازات را هشدار می‌داند که، وجودی حسابگر و نسبت به آینده آگاهی داشته باشد (یزیدیان جعفری، ۱۳۹۱، ص ۷۵). اگر برای سازه‌های مصنوعی، یادگیری و اطلاع از قانون مجازات را بتوان فرض کرد، این سؤال مطرح می‌شود که: «آیا این سازه‌ها قدرت آینده‌نگری دارند و موقعیت‌سنجی می‌کنند یا فقط برای یک‌بار می‌توانند عمل کنند و برای بار دیگر به ساختار اولیه خود برمی‌گردند؟». در نتیجه، باید گفت در هر فرضی که بیان شد اگر سازه‌های مصنوعی، قابلیت این فرض‌ها را داشته باشند باز هم نمی‌توان آنها را انسان دانست. چنانچه بعضی از نویسندگان به این مطلب اشاره کرده‌اند که، سیستم‌های هوش مصنوعی می‌توانند به‌طور پیچیده‌ای عمل کنند و حتی نتایج تصمیم‌گیری‌های خود را توضیح دهند؛ اما این رفتارها فاقد قصد واقعی یا آگاهی هستند. در واقع، هرگونه «قصد» که به هوش مصنوعی نسبت داده می‌شود، بیشتر یک استعاره است تا یک ویژگی واقعی (کوکلیبرگ، ۲۰۲۰، فصل ۱)؛ زیرا انسان دارای یک فیزیک و یک روح است که این بدن و فیزیک، مجرای اراده روح او است «و یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربي» (اسراء، ۸۵). این روح از جانب پروردگار آمده است، که از انعقاد نطفه تا پایان مرگ با انسان است. اما سازه‌های مصنوعی، حداقل در مقام حدوث، دست‌ساز بشر هستند؛ پس نمی‌توان برای آنها روح ایجاد کرد. البته، می‌شود دستگاه محاسباتی داشته باشند و این نکته را باید در نظر گرفت که نگاه ابزاری صرف هم به این سازه‌ها، نگاهی اشتباه است؛ زیرا از حیوان‌ها بسیار پیشرفته‌تر عمل می‌کنند و کارکرد آنها به انسان بسیار نزدیک‌تر است؛ اما مساوی با ماهیت انسان نیستند.

۴. چگونگی مسئولیت کیفری در هوش مصنوعی

طبق هر تحلیلی، وقتی ماشین یا ربات هوشمندی باعث انجام رفتار مجرمانه‌ای شود؛ پیامدها و آثاری

دارد که در ادامه طبق مفاهیم و معیارهای مسئولیت کیفری ایران و اسلام بررسی می‌شود. کیفر یا مجازات، که در عرف همان سرزنش تلقی می‌شود، در حقوق کیفری سنتی، فقط برای انسان و موجودات طبیعی قابلیت اعمال داشت. مثلاً طبق حقوق کیفری سنتی، اگر گاو نری به وسیله ضربات شاخ، مرد یا زنی را به قتل می‌رساند، باید سنگ‌باران می‌شد و گوشتش را نمی‌خوردند و صاحب گاو، مسئولیتی نداشت (عالی‌پور، ۱۳۹۵، ص ۵۲). با پیشرفت زمان و تقسیم‌بندی‌های جدید در جرایم، به تبع، مسئولیت‌ها هم تغییر پیدا کرد و دیگر به طور مطلق نمی‌توان مسئولیت را بر افراد بار کرد. مسئولیت کیفری، به معنای پاسخگویی فرد نسبت به ارتکاب جرم است. در واقع، فردی که مرتکب جرم می‌شود، باید پاسخگو باشد و طبق قوانین موجود، مجازات شود. مسئولیت کیفری در حقوق ایران، به این معنا است که فرد در قبال عمل مجرمانه خود باید مسئول شناخته شود و به مجازات قانونی محکوم گردد (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ماده ۲). در قانون آیین دادرسی کیفری، مسئولیت کیفری به طور کلی به سه رکن عنصر مادی، معنوی، و قانونی منوط شده است؛ که مشابه با سیستم حقوقی ایران تعریف می‌شود. این ارکان، باید در مراحل مختلف دادرسی کیفری و طبق مقررات قانون، اثبات و تعیین شوند. عنصر مادی: در مرحله رسیدگی به جرم، دادرس باید بررسی کند که آیا عمل مجرمانه به طور کامل صورت گرفته است. مثلاً در مورد خودروی خودران که تصادف کرده است، آیا عمل رانندگی خودکار باعث بروز جرم شده است یا خیر؟ عنصر معنوی (قصد و نیت مجرمانه): دادرس باید بررسی کند که آیا فرد مرتکب جرم، نیت مجرمانه داشته است. اگر فرد از روی بی‌احتیاطی یا بدون قصد مجرمانه مرتکب جرم شده باشد، ممکن است مجازات کمتری به او تعلق گیرد. عنصر قانونی: این رکن تأکید دارد که قانون، باید جرم بودن عمل و مجازات آن را مشخص کرده باشد. اصل قانونی بودن جرم و مجازات، در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی و همچنین در ماده ۱۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است.

۵. معیارهای مسئولیت کیفری و تشخیص مجرمیت طبق قانون آیین دادرسی کیفری

طبق قانون آیین دادرسی کیفری، دادرس باید براساس چندین معیار قانونی و حقوقی، مجرمیت متهم را تشخیص دهد. این معیارها به شرح زیر هستند.

۱) اصل برائت (ماده ۱۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری): طبق اصل برائت، متهم، بی‌گناه فرض می‌شود؛ تا زمانی که جرم او اثبات شود. به عبارت دیگر، فردی که به ارتکاب جرم متهم می‌شود، پاسخگوی قانونی نیست تا زمانی که دادگاه، اثبات جرم کند (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲، ماده ۱۶۱).

۲) حق دفاع متهم (ماده ۱۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری): حق دفاع، به این معنا است که متهم باید فرصت داشته باشد تا از خود دفاع کند. در این زمینه، دادرس باید اطمینان حاصل کند که حق دفاع برای متهم رعایت شده است (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲، ماده ۱۶۲).

۳) دلیل و شواهد برای اثبات جرم (ماده ۱۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری): دادرس باید جرم را براساس

شواهد و مدارک معتبر، تشخیص دهد. شواهد باید قانونی و معتبر باشند و نباید صرفاً براساس شایعات یا دلایل غیرمعتبر، تصمیم‌گیری شود (قانون آئین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲، ماده ۱۶۷).

۴) **احراز مسئولیت کیفری (ماده ۴۰۲ قانون آئین دادرسی کیفری):** دادرس باید مسئولیت کیفری متهم را احراز کند. برای این کار باید بررسی کند که آیا متهم، عقل سالم و بلوغ قانونی داشته و در زمان ارتکاب جرم، دارای اراده آزاد بوده است (قانون آئین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲، ماده ۴۰۲).

۶. معیارهای قانونی برای تشخیص مجرمیت طبق قانون مجازات اسلامی

در قانون مجازات اسلامی، که ماده ۲ آن، مبنای اصلی در تعیین مسئولیت کیفری است، ویژگی‌هایی برای تشخیص مجرمیت ارائه شده است. این ویژگی‌ها عبارتند از: عنصر مادی و معنوی (ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی) برای تحقق جرم و مجازات. دو رکن عنصر مادی (عمل مجرمانه) و عنصر معنوی (نیت مجرمانه) باید در شخص متهم احراز شوند. نیت مجرمانه و مقصود را، ماده ۳۰ قانون مجازات اسلامی، بیان کرده است. برای تشخیص مجرمیت، دادرس باید نیت مجرمانه متهم را در نظر بگیرد. اگر متهم، جرم را عمدی انجام داده باشد، مسئولیت کیفری به او تعلق می‌گیرد. البته قانون، استثنائاتی را نیز برای مسئولیت کیفری در نظر گرفته است. چنانچه در ماده ۳۳ قانون مجازات اسلامی بیان می‌کند: افراد مجنون یا کسانی که در اثر اختلالات روانی مرتکب جرم می‌شوند، مسئولیت کیفری نخواهند داشت.

۷. معیارهای فقهی برای تشخیص متهم و مجرم

در فقه اسلامی، معیارهای دادرس برای تشخیص مسئولیت کیفری و مجرمیت، براساس اصول فقهی و شروط مشخص شده است. این ویژگی‌ها بر سه شرط اصلی استوار است، که بدون وجود آنها، مسئولیت کیفری از فرد سلب می‌شود. این شرایط عبارتند از: عقل، بلوغ و اختیار و اراده.

۱. **عقل (مجنون و غیرمجنون):** در فقه اسلامی، عقل یکی از اصلی‌ترین شروط مسئولیت کیفری است. اگر فرد، مبتلا به اختلال روانی، جنون یا بیماری‌های ذهنی باشد، یا صغیر غیر ممیز باشد و نتواند خوب و بد را تشخیص دهد مسئولیت کیفری از او ساقط می‌شود. این اصل در قانون مجازات اسلامی نیز به‌صراحت ذکر شده است (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۹).

۲. **بلوغ:** کسانی مسئولیت اعمال خود را دارند که بالغ باشند.

۳. **اراده و اختیار:** ماده ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی بیان می‌کند که اگر فردی به وسیله اجبار یا اکراه غیرقابل تحمل مرتکب عملی شود، مسئولیت کیفری از او سلب می‌شود. در اینجا لازم است که دوباره مفاهیم سوژه و ابژه بیان شوند؛ زیرا بین تعیین مسئولیت کیفری هوش مصنوعی با این مفاهیم، رابطه معناداری وجود دارد.

۷-۱. مفهوم سوژه

در حقوق کیفری، سوژه به معنای فاعل جرم یا فردی است که به‌طور مستقیم در ارتکاب جرم دخیل است. سوژه، اراده و نیت مجرمانه دارد و مسئولیت کیفری ناشی از عمل مجرمانه خود را به دوش می‌کشد. ویژگی‌های سوژه، از این قرار است: الف) اراده و نیت مجرمانه: سوژه‌ها قادر به انجام اعمال آگاهانه هستند و تصمیماتی را براساس نیت و اراده خود می‌گیرند. ب) مسئولیت کیفری: به‌طور کلی، مسئولیت کیفری برای سوژه‌ها به دلیل ارتکاب جرم، به دلیل نیت مجرمانه‌ای است که از آن‌ها سرچشمه می‌گیرد. در حقوق ایران، هر فردی که مرتکب جرمی شود، مسئول شناخته می‌شود؛ مگر اینکه اختلال عقلانی یا عذر موجه داشته باشد. ج) اصول قانونی بودن جرم و مجازات: طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، هیچ‌کس بدون جرم مشخص و مجازات قانونی، نمی‌تواند مسئول شناخته شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۱۸-۱۹۵).

۷-۲. مفهوم اُبژه

اُبژه به معنای ابزار یا وسیله است، که توسط سوژه‌ها برای ارتکاب جرم به‌کار می‌روند. در واقع، اُبژه‌ها فاقد اراده و نیت مجرمانه هستند و صرفاً به‌عنوان وسیله یا ابزار در دستان سوژه قرار می‌گیرند. ویژگی‌های اُبژه، از این قرار است: الف) عدم وجود اراده و نیت مجرمانه: اُبژه‌ها به‌طور مستقل، قادر به تصمیم‌گیری نیستند. این ابزارها و وسایل، فقط در اختیار سوژه‌ها قرار دارند و هیچ‌گونه اراده یا آگاهی از ارتکاب جرم ندارند. ب) مسئولیت کیفری به عهده سوژه‌ها: مسئولیت کیفری در مورد اُبژه‌ها، به سوژه (فاعل جرم) تعلق دارد؛ که از آنها برای ارتکاب جرم استفاده کرده است. ج) ملاک‌های مسئولیت کیفری: مسئولیت کیفری اُبژه‌ها، به‌طور مستقیم از آنها گرفته نمی‌شود، بلکه مسئولیت به افراد طراح، سازنده، یا کاربر ابزارها و ماشین‌ها تعلق می‌گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۰-۲۱۵). در این رویکرد، بدون نیاز به اثبات تقصیر، شخص یا نهادی که مالک یا طراح سیستم است، مسئول شناخته می‌شود (لوهسه و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۱۱-۱۵). سوژه‌ها، در قوانین ایران و فقه اسلامی، مسئول شناخته می‌شوند و معیارهای مسئولیت کیفری برای آنها، براساس اراده و نیت آنها تعیین می‌شود.

مسئولیت کیفری اُبژه‌ها در قانون ایران، در مواد مختلف آمده است که به برخی اشاره می‌شود. طبق ماده ۲۱۳ قانون مجازات اسلامی، اگر فردی با استفاده از ابزار یا وسیله‌ای مرتکب جرم شود، مسئولیت کیفری به فرد طراح، سازنده، یا کاربر ابزار تعلق می‌گیرد. در فقه اسلامی، ماشین‌ها یا ابزار به‌عنوان وسیله محسوب می‌شوند و مسئولیت کیفری، به انسان‌هایی تعلق دارد که از آنها برای ارتکاب جرم استفاده کرده‌اند (جزیری، ۲۰۰۳، ص ۳۰۰). مسئولیت کیفری طبق قانون ایران، فقط برای انسان‌ها وضع شده است. این مهم را در صراحت ماده‌های یادشده، می‌توان مشاهده کرد. طبق قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری، مسئولیت کیفری، تنها به افراد انسانی که دارای اراده، عقل، و نیت مجرمانه

هستند، تعلق دارد. سیستم قضائی ایران، فقط انسان‌ها را به‌عنوان عامل جرم، شناسایی می‌کند. برای مثال، در صورت وقوع جرم، دادرس باید اراده و نیت فرد را بررسی کند تا مسئولیت کیفری را به او نسبت دهد. چنانچه قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) تأکید دارد که مسئولیت کیفری باید آگاهانه و براساس نیت مجرمانه باشد (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ماده ۲۹).

۷-۳. وجود اراده و نیت مجرمانه

مسئولیت کیفری در حقوق ایران و فقه اسلامی، نیازمند نیت و اراده است. این ویژگی‌ها متعلق به انسان‌ها است. به عبارت دیگر، برای اینکه فرد، مسئول شناخته شود؛ باید دارای نیت مجرمانه باشد. درحالی‌که ماشین‌ها، ربات‌ها، و هوش مصنوعی، فاقد اراده و نیت مجرمانه هستند و نمی‌توانند به‌طور مستقل تصمیم‌گیری کنند و به تعبیر دقیق، اراده آنها مبتنی بر نفس نیست و استقلالی که در اعمال خود دارند، مبتنی بر داده‌های گذشته می‌باشد. به همین دلیل می‌توان از جمله نقص‌های این سیستم‌ها، به پیش‌بینی نکردن و نداشتن واکنش مناسب به حوادث و اتفاقات ناگهانی آینده اشاره کرد.

۸. تأثیر روح انسان و مسئولیت کیفری آن

مسئولیت کیفری، به‌ویژه در حقوق ایران و فقه اسلامی، بر پایه ارکان مهمی مثل اراده آزاد و نیت مجرمانه استوار است. این ارکان، ریشه در روح انسان دارد؛ زیرا روح، منبع اصلی انسان برای تصمیم‌گیری آگاهانه و تشخیص درست از نادرست است. روح انسان، به‌طور مستقل، انتخاب می‌کند و نتایج اعمال خود را ارزیابی می‌کند (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ماده ۱۴). انسان برای انتخاب، آزاد است. روح انسان، نقش اصلی را در شکل‌گیری این اراده ایفا می‌کند؛ زیرا تصمیم‌گیری آگاهانه و مستقل از اراده است که از روح نشأت می‌گیرد. اگر فرد به دلیل مشکل روحی یا روانی، اراده آزاد خود را از دست داده باشد، نمی‌توان او را مسئول جرم دانست. نیت مجرمانه، زمانی محقق می‌شود که فرد با آگاهی کامل و از روی قصد، عملی را انجام دهد که در قانون، جرم است. روح انسان از طریق روش‌های فکری و اخلاقی، پیامدهای اعمال خود را ارزیابی می‌کند (عباسی، ۱۳۹۰، ص ۸۷-۹۵).

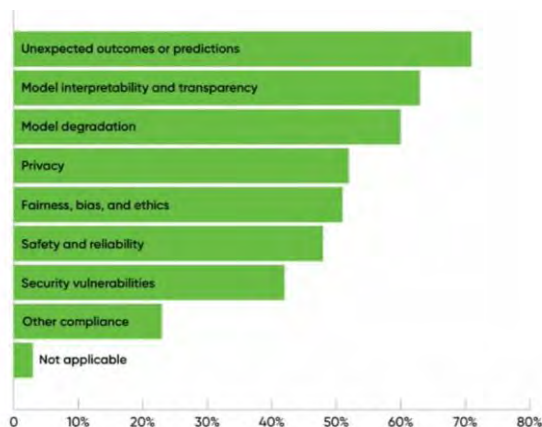
می‌توان گفت، مواردی در قانون وجود دارد که دارای روح نیستند؛ اما قانون برای آنها شخصیت قائل شده و مسئولیت کیفری تعیین کرده است. برای مثال، در بحث شرکت‌ها، اگر شرکتی مرتکب جرمی شود؛ قانون، مجازات آن را تعیین کرده است. باید گفت شرکت‌ها، بدون روح، اراده، و نیت مستقل هستند؛ اما مسئولیت کیفری آنها در حقوق نظام ایران، پذیرفته شده است. این مسئولیت، براساس عملکرد انسان‌های آنها تعریف می‌شود. شرکت‌ها بدون روح و آگاهی هستند؛ اما عدم روح، مانع از ارتکاب جرائم سازمان‌یافته و اختلال در تنظیم روابط اقتصادی نمی‌شود. به همین سبب، قانون، مسئولیت کیفری آنها را براساس عملکرد مدیران، کارکنان یا نمایندگان آنها تعیین کرده است (عباسی، ۱۳۹۰، ص ۸۷-۹۵).

ص ۸۷-۹۵). تفاوت این شخصیت‌ها با شخصیت انسان‌ها، به این نحو می‌باشد که مسئولیت کیفری انسان‌ها، واقعی و وابسته به اراده و روح آنها است؛ اما مسئولیت کیفری شرکت‌ها، معتبر و ناشی از عملکرد انسانی آنها است.

فرض‌هایی برای تعیین مجازات هوش مصنوعی، مطرح شده است به این شکل که جرائم، یا: ۱- جرایمی هستند که جنبه خصوصی در آنها بیشتر از خسارت عمومی است. ۲- جرایمی که جنبه عمومی در آنها بیشتر از خسارت خصوصی است. ۳- جرایمی که قیّم‌آبانه است (یزیدیان جعفری، ۱۳۹۱، ص ۲۲۳). بنابر این نگاه، احتمال می‌رود هوش مصنوعی، که احتمال ضررش برای جامعه بیشتر از ضرر شخصی‌اش باشد را، از تولید متوقف کنیم و اجازه ساخت آن را ندهیم و یا در صورت اجازه با شرایط سخت، مهندسان و کاربران را مجبور به پاسخگو بودن کنیم. همچنان که یکی از بندهای پارلمان اروپا، نسبت به قانون‌گذاری در حوزه رباتیک، به این نکته توجه دارد که قوانین کنونی برای پوشش خسارت‌هایی که توسط نسل جدید ربات‌ها وارد شده‌اند، کفایت نمی‌کنند؛ زیرا چنین ربات‌هایی، به‌طور خودکار چیزهایی را از تجربه‌های گوناگون خودآموز، فرامی‌گیرند و به شیوه‌های منحصر به فرد و بی‌سابقه با محیط پیرامون خود تعامل می‌کنند (جابری، ۱۳۹۷، ص ۹). به همین دلیل برای مهندسان و طراحان منشور اخلاقی نوشتند که مهندسان رباتیک باید در قبال آثاری که رباتیک ممکن است در حال یا آینده بر اجتماع، محیط زیست و سلامت انسان داشته باشد، پاسخگو باشند (جابری، ۱۳۹۷، ص ۲۷). هرچند که پارلمان اروپا قواعد مربوط به هوش مصنوعی را در حوزه مسئولیت مدنی وضع کرده است؛ اما می‌تواند اشاره‌ای به مدل بدهی و پیامدهای طبیعی و احتمالی در حوزه مسئولیت کیفری باشد.

طبق نظرسنجی که سایت اوریلی در رابطه با هوش مصنوعی انجام داده است، ۷۱ درصد از پاسخ‌دهندگان در مسئله آسیب‌های هوش مصنوعی، بیشترین خطر را، نتایج یا پیش‌بینی‌های غیرمنتظره بیان کرده‌اند. همچنان که در تصویر شماره (۱) آمده است،^۱ وقتی یک سازه مصنوعی مرتکب جرمی شده است که توسط همه، برنامه‌ریزی نشده بود و برنامه‌نویسان و کاربر، بخشی از آن توطئه نبودند، مسئولیت شریک را بر آنها تحمیل می‌کنند؛ زیرا به اعمال مرتکب جرم، که طبیعی و محتمل بوده، تسری می‌یابد. یک طرح جنایی که همدست، آن را تشویق کرده یا مسئولیت پیامدهای طبیعی و احتمالی به‌طور گسترده‌ای وجود داشته باشد، در قوانین و مقررات مسئولیت شریک جرم پذیرفته است (Hallevy, 2016, p.13). گرچه برنامه‌نویس و کاربر از تخلف غافل باشد و یا قصدی نسبت به جرم نداشته باشد؛ اما این به معنای سهل‌انگاری ذهنی آنها است؛ زیرا این سازه به صورت طبیعی و احتمالی مرتکب تخلف شده‌اند.

1. <https://www.oreilly.com/radar/ai-adoption-in-the-enterprise-2021/>



پس از باطل شدن ادعای هوش مصنوعی به‌مثابه انسان کامل، این نظر به وجود می‌آید که، هرچند ما نمی‌توانیم به عنوان یک انسان کامل و سالم با این سازه‌ها برخورد کنیم؛ اما می‌توان آنها را به‌عنوان کودک مجازات کرد. طبق این فرض، اگر این سازه‌ها سبب جنایتی شوند، عاقله آنها که به نظر، صاحب نفع و مصرف‌کننده باشد، باید دیه بپردازد (ماده ۵۰ ق.م.ا). به نظر می‌رسد که کودک دانستن این سازه‌ها نیز فرضی غلط است؛ زیرا کودک را، به این علت مجازات نمی‌کنند که اهلیت مجازات را ندارد؛ یعنی سن او کمتر از سنی است که مقنن برای مجازات در نظر گرفته است. در صورتی که، برای این سازه‌ها مسئله سن مطرح نیست. در بحث مجازات کودک، گاهی آنها تنبیه و تأدیب می‌شوند؛ زیرا باعث بازدارندگی از جنایت‌های بعدی می‌شود. درحالی که، اگر هوش مصنوعی مجازات شود، اصلاً مفهوم درد را حس نمی‌کند و بازدارندگی برای آینده و جلوگیری از جرایم بعدی نخواهد داشت. اگر بخواهیم مسئولیت این سازه‌ها را براساس مسئولیت مجنون در نظر بگیریم، به این شکل که عاقله و ولی آنها ضامن باشد (ماده ۱۴۹ ق.م.ا)، باز هم این فرض از مجازات، برای این سازه‌ها غلط است؛ چون از شرایط عدم مسئولیت مجنون، جنون در حال ارتکاب است. چنانکه جنون، از صفات ملکه و عدم است، یعنی کسی مجنون می‌شود که قابلیت عاقل بودن را دارد. سازه‌هایی که عقل، به معنای اصطلاحی را ندارند و فقط کاربرد ذهن، در بعضی از مسائل را دارا هستند، نمی‌توان به‌عنوان مجنون در نظر گرفت؛ بلکه کارکردی شبیه به انسان دارند، اما حقیقت و کنه وجودی آنها مثل انسان نمی‌باشد. نظر دیگری که وجود دارد این است که، سازه‌ها را به‌عنوان نماینده، مسئول دانست که به نظر فرضیه‌ای غلط است؛ زیرا نماینده، در حقوق ما بر کسی صدق می‌کند که رابطه وکیل و موکل در او وجود داشته باشد. سازه‌های مصنوعی را وکیل چه کسی می‌توان گرفت؟ مصرف‌کننده، طراح، سازنده، که مشخص شود، کدام را باید مجازات کنیم؛ شخصیتی که بتوان برای آنها در نظر گرفت، جای سؤال است؛ اما این را می‌توان ثابت کرد به دلایلی مثل نبود اراده و روح نمی‌توان شخصیت حقیقی برای این سازه‌ها در نظر گرفت. در تلقی کردن این سازه‌ها به‌عنوان

شخصیت حقوقی هم، این اشکال وجود دارد که نمی‌توانند مثل شرکت‌ها، وجودی مستقل داشته باشند، دارای حقوق و تکالیف باشند، یا صاحب مال شوند، یا بدهکار تلقی گردند؛ زیرا واژه شخصیت حقوق برای هوش مصنوعی اولین اصطلاحی بود که توسط کمیته پارلمان اروپا در امور قانونی، در پیش‌نویس گزارش قوانین مدنی در مورد رباتیک ۳۱ مه ۲۰۱۶ ارائه داده شد (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۹). چنانچه برخی معتقدند که مسئولیت نهایی در قبال اقدامات قانونی و کیفری باید بر عهده انسان‌ها، به ویژه توسعه‌دهندگان و کاربران باشد که این سیستم‌ها را طراحی و استفاده می‌کنند. بنابراین، به دلیل پیچیدگی‌های فنی و غیرقابل پیش‌بینی بودن برخی از رفتارهای هوش مصنوعی، مسئولیت کیفری باید براساس معیارهای حقوقی و اخلاقی مشخص و شفاف، تعیین شود (اشلی^۱، ۲۰۱۷، فصل ۱).

۹. معیار قانونی مسئولیت کیفری هوش مصنوعی

با بررسی‌های صورت‌گرفته از متن قوانین کیفری، مشخص شد که مواد قانونی مسئولیت کیفری ما، برای انسانی که عاقل، بالغ و دارای اراده‌ای که مبتنی بر روح باشد، وضع شده است. تفکیکی که بین اراده مبتنی بر روح و اراده صرف، صورت می‌گیرد، به خاطر ماهیت جدید پدیده‌های مصنوعی است که مواد قانونی ما را به چالش می‌کشد؛ زیرا اگر به متن قوانین مراجعه کنیم، درمی‌یابیم که مسئولیت کیفری، زمانی تحقق می‌یابد که آن فرد دارای اراده‌ای باشد که از روح سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، این مواد قانونی در واکنش به این پدیده‌ها، دارای نقص است. شاید گفته شود که هوش مصنوعی نیز دارای اراده و قصد است، پس با این قوانین فعلی می‌شود مسئولیت کیفری را تعیین کرد. اراده این پدیده‌ها از روح نشأت نمی‌گیرد و اینها مثل شرکت‌ها وابسته به افراد نیستند؛ بلکه خود عاملی مستقل هستند که تشخیص، تصمیم‌گیری و عمل می‌کنند. این نظر، که قوانین فعلی را تفسیر کنیم نیز، دور از فایده است؛ زیرا بر فرض تفسیرپذیری ماده قانونی، گاه ابهام آن با تفسیر، مرتفع می‌شود و گاه مرتفع نمی‌شود. همچنین، تفسیر مواد قانونی، پیچیدگی‌های بسیاری دارد؛ زیرا تفسیر رسمی قوانین، طبق اصل ۷۳ قانون اساسی برعهده مجلس گذاشته شده است، بعد از آن باید به شورای نگهبان برود و در آنجا مورد بررسی قرار گیرد و اگر مخالف شرع و قانون نباشد، به تصویب برسد. این روند، سبب گنگی نظام قضایی در گستره پدیده‌های مصنوعی می‌شود. بنابراین، بهترین پیشنهاد، وضع قاعده حقوقی جدید برای این پدیده‌ها است؛ زیرا این پدیده‌ها نه به مثابه انسان، دارای روح هستند و نه به مثابه شخصیت شرکت‌ها و انسان‌های غیرکامل، فاقد اراده و قصد؛ بلکه پدیده‌های نوظهوری هستند که طبق اقتضاء، ما را به قوانین جدید، محتاج می‌کنند. به همین دلیل، باید به فکر وضع قاعده جدید، متناسب با اصول حقوقی و فقهی بود؛ زیرا قوانین موجود به اندازه کافی برای پاسخگویی به چالش‌های اخلاقی، اجتماعی و حقوقی ناشی از توسعه سریع هوش مصنوعی کافی

نیستند و نیاز به ایجاد چارچوب‌های قانونی جدید برای کنترل این فناوری دارند (ویشمنیر و همکاران، ۲۰۲۰، فصل ۳).^۱ برای نمونه در اروپا، قوانین مرتبط با هوش مصنوعی، در حال توسعه و بررسی قانونی مناسب برای استفاده و توسعه این فناوری‌ها هستند. یکی از مهم‌ترین این قوانین، قانون هوش مصنوعی اتحادیه اروپا است، که در ژوئن ۲۰۲۴ تصویب شد. این قانون به دنبال استفاده از سیستم‌های هوش مصنوعی و ایجاد ساختاری جدید و نوآوری در حقوق اساسی است.

قانون هوش مصنوعی اروپا، سیستم‌های هوش مصنوعی را براساس چهار دسته تقسیم می‌کند:

(۱) **خطر غیرقابل قبول:** شامل سیستم‌هایی که تهدیدی جدی برای امنیت، معیشت و حقوق افراد می‌شوند و استفاده از آنها ممنوع است.

(۲) **فهرست بالا:** شامل سیستم‌هایی که در زیرساخت‌های حیاتی، آموزش، کار، خدمات عمومی و اجرای قانون به کار می‌روند و نیاز به ارزیابی دقیق و رعایت قوانین خاص دارند.

(۳) **محدود محدود:** سیستم‌هایی که نیاز به شفافیت دارند و کاربران باید شامل آنها باشند.

(۴) **خطر کم یا کمتر:** شامل سیستم‌هایی که کمترین خطر را دارند و نیاز به چیزی ندارند. علاوه بر این، اروپا در سال ۲۰۲۰، قطعنامه‌ای با عنوان «چارچوب حقوقی برای فناوری‌های مصنوعی، رباتیک و فناوری‌های مرتبط» تصویب کرد؛ که در آن موضوع مسئولیت هوش مصنوعی بررسی شده است. این قطعنامه پیشنهاد می‌کند که برای سیستم‌های هوش مصنوعی با ریسک بالا، مسئولیت محض (بدون نیاز به اثبات تقصیر) برای اپراتورها، در نظر گرفته شده و در صورت تعدیل اپراتورها، مسئولیت آنها به صورت تضامنی باشد. برای سایر سیستم‌های هوش مصنوعی، مسئولیت بر تقصیر، پیشنهاد شده است.^۲

با وجود این، ما نیز برای واکنش به این پدیده‌ها نیازمند وضع قاعده جدید هستیم؛ زیرا بررسی قوانین فعلی نشان می‌دهد که تعیین مسئولیت کیفری، مشکل را حل نخواهد کرد. هرچند که این مهم نیاز به زمان طولانی و پژوهش و تحقیق و توسعه دارد؛ اما می‌توان با برگزاری موت کورت‌ها و دادگاه‌هایی در این زمینه، سبب پیشرفت و توسعه حقوقی، در این زمینه شد.

۱۰. نتیجه‌گیری

با مشخص شدن ماهیت فلسفی هوش مصنوعی، که نظریه ساخت آن از فلسفه آغاز شد، می‌توان گفت، انسان تلقی کردن هوش مصنوعی، چیزی جز یک نگاه سطحی نیست؛ زیرا یکی از رکن‌های انسان، قصد و اراده است که در هوش مصنوعی موجود نیست. حال اگر کسی بگوید که قصد و اراده در هوش مصنوعی یافت می‌شود، چرا که تا قصدی نباشد، کاری صورت نمی‌گیرد، در پاسخ باید گفت: احکام

1. Wischmeyer

2. European Commission. (2024). Artificial Intelligence Act (AI Act)

<https://digital-strategy.ec.europa.eu/en/policies/regulatory-framework-ai>

حقوقی اسلام برای انسان وضع شده است و رکن اساسی که خالق در نهاد انسان گذاشته است، روح او است. روح را در یک ربات نمی‌شود به وجود آورد؛ پس این سازه‌ها را باید به‌عنوان یک محصول هوشمند یا عمل خردمند دانست؛ زیرا شبیه‌ترین موجودات به انسان هستند. این نکته را هم باید در نظر داشت که این سازه‌ها حداقل در مرتبه حدوث، وابسته به انسان هستند. بنابراین، در مسئولیت کیفری، تلقی کردن این سازه‌ها به منزله حیوان، مجنون، کودک، نماینده و شخصیت حقوقی، فرض‌هایی باطل است. هرچند که بعضی از احکام این فرض‌ها بر سازه‌های مصنوعی بار شود، در مقام تعیین مسئولیت کیفری، با قوانین موجود نمی‌شود مجازات‌ها را تعیین کرد؛ زیرا این پدیده‌های هوشمند، نیاز به قاعده جدید حقوقی دارند که به نسبت اقتضای خود، بتوان احکام و مسئولیت‌های متناسب با آنها را مشخص کرد. علاوه‌بر این، برگزاری موت کورت‌ها، عاملی مؤثر در مشخص شدن افق دید ما نسبت به این سازه‌ها هستند.



منابع

قرآن کریم.

جابری، طالب (۱۳۹۷). هوش مصنوعی و قانونگذاری: قواعد قانون مدنی در حوزه رباتیک پارلمان اروپا. دفتر مطالعات بنیادین حکومتی.

جزیری، عبدالرحمن (۲۰۰۳). *الفقه علی المذاهب الأربعة*. قاهره: دارالکتب العلمیه.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). حقوق کیفری عمومی. تهران: انتشارات گنج دانش.

حکمت‌نیا، محمود؛ محمدی، مرتضی؛ واثقی، محسن (۱۳۹۸). مسئولیت مدنی ناشی از تولید ربات‌های مبتنی بر هوش مصنوعی خودمختار. *حقوق اسلامی*، ۱۵ (۶۰)، ص ۲۳۱-۲۵۵.

خوشنویس، یاسر (۱۳۹۴). *نوخاستگی و آگاهی*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

راسل، استوارت جانانان؛ نوروگ، پیتر (۱۳۹۶). هوش مصنوعی تکنیک‌های مدرن. تهران: انتشارات ناقوس.

عالی‌پور، حسن (۱۳۹۵). *حقوق کیفری فناوری اطلاعات*. تهران: انتشارات خرسندی.

عباسی، محمود (۱۳۹۰). *مسئولیت شخصیت حقوقی*. تهران: انتشارات میزان.

قانون آیین دادرسی کیفری. مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

قانون مجازات اسلامی (تعزیرات). مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

لو، جانانان (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر فلسفه ذهن*. ترجمه امیر غلامی. تهران: انتشارات نشر مرکز.

محمدعلی خلج، محمدحسین (۱۳۹۳). *دریغوس و تاریخ فلسفی هوش مصنوعی*. غرب‌شناسی بنیادین، ۱۵ (۱)، ص ۱۰۳-۱۲۸.

یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۱). *چرایی و چگونگی مجازات*. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Ashley, K.D. (2017). *Artificial Intelligence and Legal Analytics: New Tools for Law Practice in the Digital Age*. Cambridge Uni.

Coeckelbergh, M. (2020). *The Ethics of Artificial Intelligence: An Introduction*. The MIT Press.

Goodall, N.J. (2014). *Machine ethics and automated vehicles*. In Road Vehicle Automation (pp. 93–102). Springer.

Gunkel, D.J. (2018). *Robot Rights*. MIT Press.

Hallevy, G. (2016). The Criminal Liability of Artificial Intelligence Entites: From Science Fiction to Legal Social Control. *Akron Intellectual Property Journal*, 4(2), p. 171-199.

Huang, G.B., Zhu, Q.Y. & Siew, C.K. (2006). *Extreme Learning Machine: A New Learning Scheme of Feedforward Neural Networks*. Proceedings of the International Joint Conference on Neural Networks.

Lin, P. (2016). *Why ethics matters for autonomous cars*. In: Autonomous Driving: Technical, Legal and Social Aspects (pp. 69–85). Cham, Switzerland, Springer.

Lin, P., Abney, K. & Bekey, R. (2020). *Robot ethics 2.0: From autonomous cars to artificial*

- intelligence*. Oxford University Press.
- Lohsse, S., Schulze, R. & Staudenmayer, D. (2019). *Liability for Artificial Intelligence and the Internet of Things*. Springer.
- National Highway Traffic Safety Administration (NHTSA). (2016). *Tesla Autopilot Crash Report*. URL= <https://www.nhtsa.gov>
- Russell, S. & Norvig, P. (2020). *Artificial Intelligence: A Modern Approach* (4th ed.).
- Searle, J.R. (1980). Minds, Brains, and Programs. *Behavioral and Brain Sciences*, 3(3), p. 417-424.
- Siciliano, B. & Khatib, O. (2016). *Handbook of Robotics* (2nd ed.)
- Turing, A.M. (1950). Computing Machinery and Intelligence. *Mind*, 59(236), p. 433–460.
- Wischmeyer, T. & Rademacher, T. (2020). *Regulating Artificial Intelligence: How to Control the Unexplainable*. Springer.

